



دکتر هادی رستگار مقدم
نویسنده و مترجم

محرم و صفر؛ بین فرصت و تهدید

در برهه‌ای از زمان حرکتی آغاز شد که تا تاریخ برجا باشد، آن حرکت نیز همواره نمود و ظهور دارد. از سال ۶۳ هجری می‌گوییم که عظمت آن به قدری است که منشأ تاریخ اسلامی شده است. تاریخ هجری به هجرت رسول اکرم^(ص) از مکه به مدینه گفته می‌شود و آن حرکت، مبدأ تاریخ اسلامی شد، ولی با حرکت اصلاحی حضرت سیدالشهدا^(ع)، اول محرم منشأ تاریخ قرار گرفت و این حرکت دارای معانی عمیقی است. حرکت حضرت سیدالشهد^(ع)، یک حرکت اصلاحی بود و امر به‌معروفش نیز از اقدامی لفظی و تذکری به یک اقدام عملی، منجر شد و ناخشنودی آن حضرت از متولیان حکومتی که به نام اسلام، به‌تمامی رفتارهای غیردینی از آن‌ها صادر می‌شد، به نمایش گذاشته شد تا بدین وسیله این اقدام و حرکت در تاریخ، ثبت شود و امر به‌معروف را از حرکتی فردی به یک حرکت تاریخی در طول تاریخ تبدیل کند، آنجا که ایشان فرمودند: «فردی همانند من با فردی همانند یزید هیچ‌گاه بیعت نخواهد کرد»، امام در این عبارت کوتاه ولی پر مغز می‌فرمایند فردی با اندیشه من و فردی که از دیدگاه من بهره برده است و به آن آشناست، در طول تاریخ نمی‌تواند با فردی همچون یزید که فردی ناپاک و جنایتکار و فاسد است، بیعت کند و با او دست همکاری دهد، پس همان گونه که حرکت حسین بن علی(علیهما السلام) یک حرکت اصلاحی است، ماه محرم و صفر نیز باید تبدیل به ماه‌های اصلاحی شود. این فرصتی است که نباید آن را نادیده گرفت. پیروان حضرت سیدالشهدا^(ع) پیروان مصلحی هستند که باید برای حرکت اصلاحی خود، برنامه‌ای مدون و هدفی مشخص پیش‌رو داشته باشند. ازسوی دیگر دشمنان نیز برای خنثی کردن حرکت اصلاحی ماه‌های محرم و صفر، تلاش مضاعفی می‌کنند تا آن را از بین ببرند یا از درون، بی‌محتوا و بی‌خاصیت کنند. یکی از راه‌هایی که می‌تواند آنان را در این کار موفق کند، بی‌هویت کردن مساجد است. متولیان امور مساجد و موبک‌زن‌های حاشیه‌ای حتماً به این مهم توجه می‌کنند که به‌گونه‌ای موبک‌ها را جانمایی کنند تا در نزدیکی مساجد نباشد و تداخل و خللی در برنامه‌های یکدیگر ایجاد نکنند. به‌عبارت دیگر برای هریک از مساجد حریمی تعریف شود که در آن حریم، برنامه‌های موبکی با امور مساجد تداخل نکند و بالعکس که اگر چنین موازی کاری به‌وجود بیاید، می‌تواند مساجد را از رونق انداخته، بی‌خاصیت کند و این خود یک تهدید به‌حساب خواهد آمد، چنان که امام راحل(رحمه‌...) علیه) به این مهم چنین واکنشی نشان داده‌اند. ایشان در جایی گفته‌اند: «یک وقت بود که این دست ناپاک اجنبی آمد و روحانیون و قشرهای جوان را از هم جدا کرد... [درنتیجه] هماهنگی که ما باید داشته باشیم، از بین می‌رود. وقتی که از بین رفت این هماهنگی، هرچه دلشان [خواست] می‌کنند و ما هم هیچ کاری نمی‌کنیم. امروز هم که نزدیک محرم است، می‌بینیم گفته می‌شود که بعضی از این جوان‌های پاکدل ما بازی خورده‌اند. اگر یک آقای بخواد مثلاً روضه بخواند، می‌گویند که نه، دیگر روضه لازم نیست. این‌ها ملتفت نیستند آن‌هایی که با روضه مخالف‌اند، همان‌هایی بودند که با روحانیت مخالف بودند... همان‌ها هستند که می‌خواهند ما را بدوشند و ما را ذلیل نگه دارند. این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصبه کربلا هست، این بزرگ‌ترین امر سیاسی است در دنیا و بزرگ‌ترین امر روانی است در دنیا. تمام قلوب باهم متحد می‌شوند اگر خوب راهش ببریم. ما برای این هماهنگی پیروز هستیم و قدر این را باید بدانیم و جوان‌های ما توجه به این مسائل داشته باشند. جوان‌های ما ملتفت این معنا باشند که دست‌هایی الان در کار است که می‌خواهند یکی‌یکی اشخاص مؤثر را از بین ببرند. یکی‌یکی مجالس را از بین ببرند. مساجد را، محتوایش را از بین ببرند... همین مساجد و همین روضه‌ها و همین روضه‌های هنگی، همین‌ها توجه مردم را و همان هماهنگی را ایجاد می‌کند. اگر دولت‌های دیگر بخوانند هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند، میسور نیست برایشان. با صد‌هامیلیارد تومان هم برایشان میسور نیست. ما را سیدالشهدا این‌طور هماهنگ کرده. ما برای سیدالشهدایی که این‌طور [ما را] هماهنگ کرده، اظهار تأسف نکنیم؟ ما [برای این سیدالشهدا] گریه نکنیم؟ همین گریه‌ها نگه داشته ما را. جوان‌های ما گول این شیاطینی که می‌خواهند این حربه را از دست شما بگیرند، نخورند. همین‌ها هست که ما را حفظ کرده. همین‌ها هست که مملکت ما را حفظ کرده، پس باید به‌گونه‌ای عمل کرد که مساجد مینا باشد و موبک‌ها، لشکریان و سربازان این مساجد، تا هرچه بیشتر اتحاد و هماهنگی میان عزاداران و نیز میان متولیان امور فرهنگی و عزاداری و موبک‌های عزاداری ایجاد شود،

روایت



فاطمه بنت حسین(ع)

اسمش فاطمه بود، هم‌نام مادر پدرش. می‌گویند شبیه فاطمه، دختر رسول خدا^(ص)، بود، فاطمه بنت حسین^(ع). او قبل از عاشورا با پسرعموش حسن ازدواج کرد. فاطمه دختر امام^(ع)، علم حدیث می‌دانست و نام او در تاریخ در زمره راویان حدیث ذکر شده است.

روز عاشورا با همسرش در کربلا حضور داشت. وقتی که امام^(ع) تنها شد و همه اصحاب و یارانش شهید شدند، به‌سوی اهل حرم آمد تا وداع کند. چشمش دنبال کسی بود، کسی که بتواند امانتی بزرگ را به او بسپارد.

دنبال فاطمه‌اش گشت. حسین^(ع) می‌دانست اگر برود، دیگر بر نمی‌گردد. پس قبل شهادت، فاطمه را نزد خویش خواند. چیزی در پارچه‌ای پیچیده بود و به او داد. ودایع امامت و وصیت‌های مکتوب خود را به او سپرد تا آن‌ها را به برادرش سجاد^(ع) برساند. او هم مانند باقی اهل حرم اباعبد...^(ع) اسیر شد. به کوفه که رسیدند، چنان خطبه خواند که دل دشمن را لرزاند.

«ای مردم کوفه! ای اهل مکر و خودبینی و خیانت! ما خاندانی هستیم که خداوند، ما را به‌وسیله شما آزمایش کرد و شما را به‌وسیله ما آزمایش فرمود. آن‌گاه آزمایش ما را نیکو قرار داد و دانش و فهم خویش را نزد ما به ودیعت نهاد. ما گنجینه دانش و ظرف فهم و حکمت اویم و در روی زمین، حجت بلاد و عباد اویم. خداوند به کرامت خویش، ما را کرامت بخشید و با پیامبرش، محمد^(ص)، ما را بر بسیاری از مردم، فضیلت روشن و آشکار داد. شما دیروز ما را تکذیب کردید و شمشیرهایتان به‌سبب کینه‌های پیشین، خون ما اهل بیت را ریخت».

«مرگ بر شما ای مردم کوفه! آخر چه خونی از رسول خدا، نزد شما بود و چه جرم و انتقامی از او داشتید، جز بدان دشمنی که با برادرش علی بن ابیطالب^(ع)، جد من و فرزندانم که عزت پیامبر^(ص) بودند، داشتید... آن‌گاه به این خیانت افتخار کردید، تا آنجا که گوینده شما می‌گوید: ما بودیم که علی و پسرانش را با شمشیرهای هندی و نیزه‌ها کشتیم و زنانش را همچون اسیران ترک، به اسارت بردیم و چه نبردی با آن‌ها کردیم! خاک و خاشاک و سنگ بر دهانت ای گوینده! آیا به کشتن مردمانی مباحات می‌کنی که خدای تعالی پاک و پاکیزه‌شان کرده و پلیدی را از ایشان برده است؟» آن‌قدر سخنان او تأثیرگذار بود که همه به گریه افتادند و فریاد زدند: «ای دختر پاکان! بس است. دل‌های ما را آتش زدی و سینه‌های ما را سوزاندی و وجود ما را خاکستر کردی!»

او در کاروان اسرا کنار عمه‌اش، زینب، مواظب کودکان بود.



شهریار
شاهرانوز
اشنبه
۲۲ مرداد ۱۳۹۲
شماره ۱۴۵۵
Page

۱۴



مهر

در گفت‌وگو با استاد سطوح عالی حوزه علمیه مطرح شد

مودت و محبت؛ رکن اساسی خانواده

آمنه مستقیمی ا وقتی سخن از نهادهای اثرگذار و جریان‌ساز به میان می‌آید، رتبه نخست با فاصله بسیار از دیگر عوامل، به خانواده تعلق می‌گیرد، نهادی که نه فقط موفقیت فرد بلکه موفقیت جامعه و حتی در سطحی کلان یک کشور و ملت از آنجا ریشه می‌گیرد و جریان می‌یابد؛ به همین دلیل هم است که در اسلام، خانواده نقشی بی‌بدیل دارد و برای تشکیل، حفظ و بقا و عوامل توفیق آن توصیه بسیار شده است. به‌منظور بررسی ارکان و کارکردهای خانواده موفق، با حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و صاحب آثاری همچون «ویژگی‌های امام‌رضا^(ع)»، «منشور نسل جوان در سیره امام‌صادق^(ع)»، و «پدر و مادر، شما را دوست دارم، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

۴رکن خانواده موفق از نگاه قرآن

در آیات و روایات و سیره اهل بیت^(ع)، آموزه‌های فراوانی درباره خانواده وجود دارد، از مهم‌ترین آیات مرتبط با خانواده که هرچه درباره‌اش بحث شود بازهم کم است، آیه ۲۱ سوره مبارکه روم است که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ يَخْلُقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً، و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته، با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود، در این آیه شریفه، خدای متعال به چند رکن مهم خانواده اشاره می‌کند که هریک کارکرد ویژه خود را دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین پاک‌نیا:

یکی از ارکان خانواده در لسان قرآن، مودت است، بین محبت و مودت، تفاوت وجود دارد؛ در محبت، دوست داشتن و عشق ورزیدن، مدنظر است ولی در مودت، محبت معمولی مدنظر نیست، بلکه مراد ابراز علاقه و مهر و دوست داشتن است



صدقات، شاه‌کلید خانواده موفق

اخلاق در خانواده، دامنه‌ای گسترده دارد که حتی ریزترین مسائل را شامل می‌شود و در سیره اهل بیت^(ع) بارها حتی در جزئی‌ترین امور بر آن تأکید شده است، برای مثال در سیره آن حضرات، برای رفتار با همسر و فرزند، مطالبی بیان می‌شود که فراتر از اخلاق است. صدقات از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی است که همه خانواده‌ها به آن نیاز دارند. از روز خواستگاری تا ازدواج و تولد فرزند و پس از آن، صدقات شاه‌کلید بسیاری از توفیقات خانواده است. ارزش‌هایی همچون وفای به عهد، ایثار و گذشت و مهربانی و... نیز در توفیق خانواده مؤثرند که باید شناخته، تبیین و در تشکیل خانواده نهاده‌نی شوند. امام‌صادق^(ع) به یکی از اصحاب خود فرمودند: «مهم‌ترین علت قرب امیرالمؤمنین^(ع) به پیامبر(ص)، صدقات و امانت‌داری ایشان بود. شما هم سعی کنید این فضایل اخلاقی را در خود ایجاد و تقویت کنید». بنابر آموزه‌های دینی روایی، صدقات شاه‌بیت همه فضایل اخلاقی است و در شناسایی اخلاق در دیگران، بیش و پیش از کثرت نماز و روزه و عبادت باید به این خصوصه در آن‌ها توجه کرد. امام‌جواد^(ع) در روایتی به شخصی که با ایشان برای ازدواج دخترش مشورت می‌کرد، فرمودند: «در ازدواج به تقوا توجه کنید».

کارکردهای خانواده برای فرد و جامعه

خانواده‌ای که ارکان آرامش، مودت، رحمت و اخلاق را در والاترین سطح داراست، علاوه‌بر توفیقات خود جامعه را هم بهره‌مند می‌کند. چنین تربیت انسان‌های باعزت است که در بحران‌ها عزت‌نفس خود را از دست نمی‌دهد. انسان با خانواده حتی در تغذیه و سلامت جسم هم نظم و انضباط دارد. علاوه‌بر این، در فضای خانواده نیازهای جنسی نیز راهنمایی و هدایت و تأمین می‌شود و تولیدمثل و تولد فرزند هم در بستر صحیح آن رخ می‌دهد.

چرا این همه دشمنی با خانواده؟

امروز دشمن درصدد تضعیف این اوصاف و فضایل در فضای خانواده است و با شعارهای دروغین می‌کوشد ریشه خانواده را بزند. باید هشدار دلسوزان را جدی بگیریم؛ برای مثال

این‌ها در موضوع حجاب با خود حجاب مشکلی ندارند، بلکه می‌خواهند دختران ما به‌گونه‌ای تربیت شوند که نتوانند فردا مسئولیت‌پذیر باشند و تشکیل خانواده دهند و نسلی ارزشی را تربیت کنند. باید در برابر این تهدید برای خانواده، هوشیار باشیم؛ چون دشمن از خانواده‌هایی که فرزندان باتقوا و متدین و شجاع تربیت کرده‌اند، ضربه خورده است، لذا درصدد تربیت نسل بی‌خاصیت و بدون ضرر برای خود است و به همین دلیل هم روی تضعیف ارزش‌های خانوادگی دست گذاشته است.

عوامل مؤثر در تربیت نسل ارزشی

خانواده موفق در نگاه اسلام، اوصافی ویژه دارد؛ همچون رابطه مثبت اعضای خانواده با یکدیگر و داشتن اعتماد به هم. ویژگی دیگر نظم و انضباط در بهره‌مندی اوقات روزانه است، چنان که امام‌رضا^(ع) بر اختصاص ساعاتی از شبانه‌روز برای تربیت فرزند و نسل تأکید می‌کنند. فضایل اخلاقی و قدردان بودن از هم و ابراز این قدردانی، از دیگر اوصافی است که آراستگی خانواده به آن، نسلی مطلوب را پرورش می‌دهد.

رعایت تفاوت‌های جنسیتی بین زن و مرد، از دیگر عوامل توفیق خانواده در تربیت فرزند و نسل صالح است و قرآن و خانواده‌های ارزشی بر رعایت این ظرافت تأکید می‌کنند اما متأسفانه در فضای بسیاری از خانواده‌ها، این اصل رعایت نمی‌شود و به اسم تساوی، تفاوت‌های بین زن و مرد نادیده می‌گیریم، درحالی‌که این تفاوت‌ها خود از عوامل رشد انسان هاست. تفاهم و سوء ظن نداشتن زن و شوهر به یکدیگر، تبادل اندیشه و مشورت و حفظ اسرار خانوادگی، از دیگر عواملی است که به تربیت نسل ارزشی در محیط خانواده کمک می‌کند و جامعه را به‌سوی کمال و تعالی هدایت می‌کند و در این مسیر پیش می‌برد.

